



یادداشت

بخشنامه ارتجاعی دولت روحانی ادامه سیاست برده کردن نیروی دکار است!

صادق کار



کمیته دستمزد نمایندگان تشکلهای حکومتی مامور در شورای عالی کار روز گذشته نتیجه محاسبه خود از هزینه های معیشت خانوار را در خبرگزاری ایلنا منتشر نمود.

بنا بر آمارى که کمیته مزبور از هزینه های سبد خانوار اعلام نموده است، هزینه های آن بدون در نظر گرفتن یک سری از هزینه های ضروری زندگی، مانند مسکن، آموزش، حمل و نقل، تفریح و غیره طی سالجاری ۳ میلیون ۹۷۰ هزار تومان افزایش یافته و از ۵ میلیون ماهانه در آغاز سال به ۸ میلیون و ۹۸۵ تومان ماهانه رسیده است. گفتنی است که طبق محاسبه دیگری که تعدادی از تشکل های مستقل کارگری با بهره گرفتن از نظر کارشناسان اقتصادی و خانوارهای کارگری انجام داده اند هزینه ها بالغ بر ۱۲ میلیون تومان اعلام شده است.

محاسبه هزینه های سبد خانوار ظاهراً به منظور استفاده در مذاکره بر سر تعیین دستمزد انجام و اعلام گردیده. با این حال خود آنهایی که این محاسبه را انجام داده اند خوب می دانند که دولت و کارفرمایان به آن واقعی نخواهند گذاشت و مانند گذشته تاثیری در افزایش دستمزد نخواهد گذاشت.

کما اینکه با بخشنامه ای که اخیراً معاون حقوقی رئیس جمهور ابلاغ کرده خود سازوکار تا کنونی معیوب تعیین مزد به نظر می رسد از طرف دولت و کارفرمایان تلاش می شود کنار گذاشته شود و واقعیت هم این است که کارکرد این سازوکار تا کنون به نفع کارفرمایان و دولت و در خدمت تامین منافع و خواست آنها بوده است.

هزینه سبد خواروبار ظاهراً بعنوان یکی از معیارهای تعیین دستمزد و افزایش آن در شورای عالی کار پذیرفته شده است. با این حال در مورد محاسبه و محتوی آن همواره میان دولت و کارفرمایان که در کنار هم قرار دارند با کارگران اختلاف نظر وجود داشته است. کارفرمایان اصولاً یک سری یاز هزینه های زندگی کارگران از قبیل هزینه های مسکن، آموزش، تفریح، بهداشت را اساساً حاضر نیستند در محاسبه سبد خانوار ملحوظ کنند. از نظر آنها خانواده های کارگری نیازی به این مسائل ندارند و بایستی به خوراک و پوشاک بسنده کنند. این آن تفکری



است که حکومت و دولت اسلامی نسبت به کارگران و زحمتکشان و حقوق و رفاه آنها دارند. بهمین جهت محتوی سبد هزینه‌های زندگی خانوار همه ساله بر مبنای آمار و اطلاعات دستکاری و تحریف شده تورم و قیمت ها و حذف بخشی از هزینه‌های اساسی زندگی محاسبه می شود و نتیجه آن در بهترین حالت چیزی غیر از درجا زدن دستمزدها زیر خط فقر نیست. و عملاً همان چیزی از کار د در می آید که دولت و کارفرمایان می خواهند. نمایندگان تشکلهای حکومتی در شورای عالی کار نیز آنرا می پذیرند. نمایندگان دولت و کارفرمایان در شورای عالی کار حتی حاضر به محاسبه دستمزد بر اساس قوانین و سبد هزینه دست پخت خودشان هم نیستند.

سال گذشته در نهایت شورای عالی کار به رغم نرخ تورم ۴۲ درصدی تنها با افزایش ۲۱ درصد دستمزد حداقل بگیران موافقت کرد و از کنار سبد هزینه خانوار گذشت. امسال اما دولت و کارفرمایان نه تنها مانند سالهای گذشته حاضر به افزایش اسمی دستمزدها با وجود گرانی و تورم شدید نیستند بلکه در تلاشند که مسئله افزایش دستمزد و شرایط کاری و استخدامی کارگران را به

کارفرمایان واگذار کنند و ته مانده قانون کار را نیز کنار بگذارند

دقیقتر گفته باشیم، دستمزد امسال را می خواهند تبدیل به امحا کامل حق و حقوق قانونی و عرفی کارگران نمایند. بعضی ها نیز به خطا تصور می کنند که چون این یک اقدام غیرقانونی است گویا می توانند با تمسک به قانون جلوی کار دولت را بگیرند.

آنها گویی از این غافلند که اکثر اقدامات این چینی در جمهوری اسلامی که خلاف قانون و حقوق هم بوده‌اند تا کنون بدون هیچ مانع جدی از فعل به عمل درآمده‌اند و همین قضیه به آنها امکان داده تا به اینگونه اعمال بی شرمانه ادامه دهند.

معاون حقوقی ریاست جمهوری با صدور بخشنامه‌ای که بی شباهت با قانون برده‌داری نیست در واقع حکم ابطال قوانین و مقررات کار را صادر نموده است. در بخشنامه مذکور همه اختیارات قانونی ناظر بر مناسبات کار و سرمایه به طور یکطرفه یکجا به کارفرمایان واگذار گردیده تا با آسودگی و بدون نگرانی مانند بردگان با کارگران رفتار کنند. تعیین مزد، شرایط استخدام، ساعات کار، قرارداد های استخدامی، بیمه، حق اخراج همگی به کارفرمایان واگذار شده‌اند.

با این اوصاف تهیه هزینه سبد خانوار تأثیری در تصمیم از پیش گرفته شده دولت و کارفرمایان ندارد. با نق زدن و تهدیدات تو خالی نیز نمی توان مانع اجرای تصمیمات دولت و کارفرمایان شد. تنها راه باقی مانده اعتصاب و اعتراض و سازماندهی اعتصابات جمعی برای مبارزه با بخشنامه دولت و افزایش دستمزد است.

دولت ارتجاعی و ضد مردمی روحانی و متحدین نئولیبرال آنها که طی ۸ سال گذشته تا توانسته‌اند با از بین بردن قوانین و مقررات کار، فریز کردن دستمزدها، سرکوب سندیکاها، اعتصابات، تشدید استثمار کارگران و غارت کارخانه‌ها و ثروت و درآمدهای کشور، زحمتکشان را به فقر و گرسنگی بکشانند و بر ثروتهای نجومی خود و بستگان شان بیفزایند، می کوشند در چند ماهه باقی مانده دولت فاسد و ناکارآمدشان با امحا ته مانده قوانین و



مقررات کار و تامین اجتماعی راه استثمار بیشتر نیروی کار را هموارتر کنند. تاثیرات این اقدامات اگر به موقع نسبت به آن واکنش مناسب و درخور ابعاد این اقدام ضد انسانی نشان داده نشود پیامدهای آن بر کار، معیشت، تامین اجتماعی، زندگی و آسایش کارگران و اکثریت جامعه بسیار هول انگیز خواهد بود. بخش عمده‌ی این همه سرکوب، زورگویی و ستمگری که بر کارگران و مزدبگیران و زحمتکشان توسط سرمایه‌داری حریص و نوکیسه و طمع‌محور در حکومت اسلامی روا داشته می‌شود، بخاطر تفرقه و پراکندگی و سازمان نایافتگی طبقه کارگر است. تا زمانی که ما بر این معضلات خود غلبه نکنیم وضع مان روز به روز بدتر خواهد شد. تا نتوانیم آنچنان خود را متحد و سازمان دهیم و نیرومند کنیم که بتوانیم دولتهای امثال روحانی را به زیر بکشیم کسی به خواسته‌ها و وضعیت زندگی و حقوق مان توجه نخواهد کرد!

هم اکنون نیز بایستی با دامن زدن به اعتصابات و اعتراضات با بخشنامه ارتجاعی دولت و برای لغو آن مبارزه کرد و همراه با آن خود را در سندیکاها و اتحادیه‌های مستقل سازمان داد. انفعال و تمکین به این بخشنامه به منزله تائید حکم سند بردگی طبقه کارگر است. آنها اگر موفق به تحمیل این بخشنامه شوند آنرا در میان کارمندان و سایر مزدبگیران تعمیم خواهند داد

فریب آنهایی که به شما وعده لغو این بخشنامه در دولت بعدی را می‌دهند نخورید. تا کنون هیچ دولتی در این حکومت وجود نداشته که یک قانون و مصوبه دولت قبلی را که علیه کارگران بوده باشد از میان بردارد و هیچ دولتی وجود نداشته که بدون زدن ضربه‌ای و دزدیدن تکه‌ای از حقوق کارگر پی کارش رفته باشد.

دولتی که از دل این حکومت بیرون بیاید و جای دولت روحانی را بگیرد ولو اینکه روشهای دیگری را بکار بگیرد بهبودی در وضعیت زحمتکشان بوجود نخواهد آمد. تنها با کمک همبستگی، وحدت، سازمانیابی و مبارزه فشرده است که طبقه کارگر می‌تواند در همه حال از خود و حقوق و معیشت اش دفاع موثر کند.

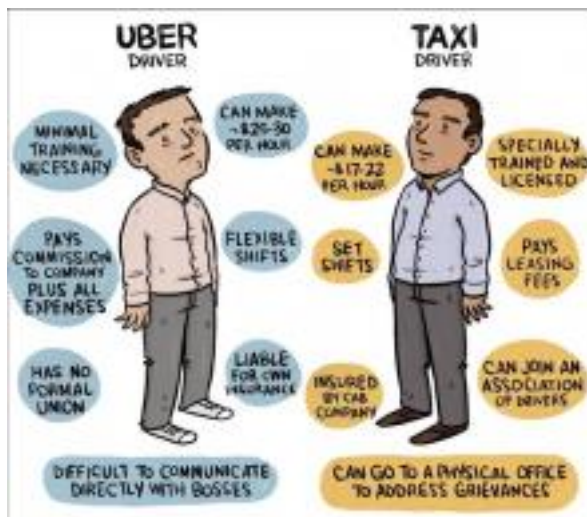


به سرکوب سندیکاها کارگری پایان دهید!



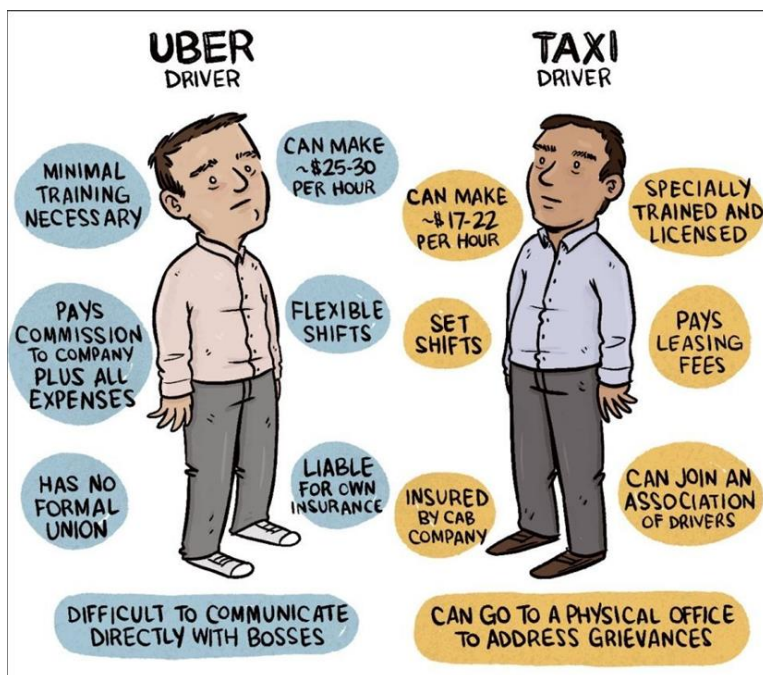
اقتصاد شراکتی، آینده مشاغل و "پساکرمایه داری" بخش پایانی

آدام بوٹ



راه حل: بایکوت، قانون یا سازمانیابی؟ - ادامه

سرتاسر سرمایه داری از یک سو تاریخی است که در آن مدیران آنچه را که در توان داشته اند برای استثمار و پراکندن کارگران و اتمیزه کردن آنان به کار گرفته اند و از سوی دیگر کارگران نامتشکل گرد هم آمده اند، به اقدام جمعی دست زده اند و به نبرد متقابل برخاسته اند.





برای مثال در اوایل قرن بیستم، کار در باراندازها با طبیعت ناستوار آن مشخص می شد. کارگران مجبور بودند هر روز به بارانداز روی آورند تا مگر برای کار در همان روز انتخاب شوند. اما در حدود سالهای ۷۰ آن قرن، کارگران بارانداز از سازمانیافتگی عالی برخوردار بودند و یکی از مبارزترین بخشهای طبقه کارگر را تشکیل داده بودند. در این اثنا و امروزه، ما شاهد اعتصابات در امریکا در بخش غذای سرپائی (فست فود) هستیم، در حالی که تا چندی پیش این بخش از زمره بخشهای بود که سازمانیانی در آن بسیار دشوار می نمود.

در تمامی این موارد از طریق مبارزه است که سازمان تحقق می یابد. کارگرانی شاغل در اقتصاد طبق درخواست، که امروز در اثر اشتباهی سیری ناپذیر سرمایه برای سود، به گوشه ای پرت شده اند، مؤلفه قدرتمندی در جنلش کارگری فردا خواهند بود.

در حال حاضر مباحثات بسیاری برای بکارگیری متدهای قانونی برای بهبود وضع کارگران شاغل در اقتصاد طبق درخواست جریان دارند. مشخصاً پرونده های بسیاری برای رسیدگی به وضع قانونی کارگران مذکور گشوده شده اند. مثلاً اوپر به خاطر طبقه بندی رانندگان اش به عنوان "پیمانکار مستقل" و نه به عنوان کارگر استخدامی، به دادگاه کشیده شده است. این تفاوت بی اهمیت نیست: کارگر استخدامی بسیاری تضمینها و تأمینات برخوردار است و هزینه ها متوجه شرکت است.

با این حال حفظ حدودی تناسب [در توسل به روشهای قانونی] دارای اهمیت است. در حالی که پرونده های شخصی ممکن است به پیروزی کارگران در این یا آن شرکت مشغول در اقتصاد طبق درخواست بیانجامد، اما این دست پیروزیها می تواند انحرافی باشد زیرا در بسیاری از موارد در بحبوجه یک حمله جهانی به کارگران، دستمزد و شغل آنها و حقوق صنفی شان رخ می دهد. چنان که جولیت شور در مقاله اش در نشریه گذار بزرگ توضیح می دهد:

دشواری ارزیابی از تأثیر این قبیل فرصت های جدید برای کسب درآمد تا حدودی این است که بدون استثنا در دوره هایی عرضه می شوند که بیکاری بالاست، مسئله بازسازی سریع بازار کار در میان است، حقوق کار و حمایت ها در حال تلاشی اند، دستمزد واقعی در حال کاهش است و سهم نیروی کار از درآمد ملی در کشور (ایالات متحده) به پایین ترین سطح تاریخی خود رسیده است. در چنین شرایطی اگر بازار کار برای کارگران بدتر شود، وخامت وضع آنان ادامه خواهد یافت و تشدید خواهد شد. و این ابداً ربطی به تقسیم فرصت ها نخواهد داشت. برعکس اگر وضع بازار کار بهبود یابد، این سهامداران اند که می توانند مطالبه بیشتری از پلافرم ها داشته باشند، زیرا گزینه های مناسبتر و متعددی در اختیار دارند.

در تحلیل نهائی این ممکن است که گروه های معینی بتوانند از طریق دادگاه ها شرایط و ضوابط را به نفع خود بهبود دهند. اما قانون، که برای حمایت از مالکیت خصوص و سود ثروتمندان وضع شده است، همچنان جزئی از نظام سرمایه داری باقی خواهد ماند.

در مواجهه با یورش سراسری طبقه حاکم علیه طبقه کارگر، نیاز به مقاومت و مبارزه منتقابل کارگران است که هدف اش نه فقط پیروزی در این یا آن دادگاه و تحقق این یا آن اصلاح منفرد، بلکه برپاداشت یک جنبش سیاسی توده گیر است با هدف گذار از دولت سرمایه داری و مناسبات مالکیت بورژوائی، عرضه چشم اندازی سوسیالیستی برای تولید مبتنی بر مالکیت عمومی و کنترل دموکراتیک کارگران.



به عنوان نخستین گام خواست این جنبش باید ملی کردن شرکت‌های با سود هنگفت مبتنی بر اقتصاد شراکتی و طبق درخواست و تحویل آنها به خدمات عمومی باشد. اگر اوبر بخشی از یک شبکه حمل و نقل ملی شده، تحت کنترل دموکراتیک کارگران باشد، که شبکه های قطار، اتوبوس، دوچرخه های اجاره ای، ... را تکمیل می کند، آنگاه حمل و نقل عمومی را می توان با کارآئی عالی و هزینه کم سازمان داد. شرایط کار و دستمزد درخوری را برای رانندگان تضمین کرد، بدون آن که نیازی به رقابت با همدیگر باشد. سرانجام این که این رانندگان، با گسترش اتوماسیون و ماشینهای خودران، خواهند توانست آموزش جدیدی ببینند و به کار دیگری اشتغال یابند.

یک ایربی ان بی عمومی، همراه با شرکت‌های غول آسای هتلدار که ملی شده باشند، و برنامه ای توده گیر برای مسکن نیز می تواند برای هر کس خانه ای برای تأمین کند و و امکان اقامت ارزانی را در زمان تعطیلات فراهم آورد. اگر این برنامه با برنامه ملی کردن بانکها و مؤسسات مالی ترکیب شود، آنگاه می توان در بخشهایی چون حمل و نقل عمومی، مسکن و بسیاری دیگر از بخشها سرمایه گذاری کرد و کمبود تأمینات عمومی و استخدامهای متزلزل جهانی را از میان برداشت.



بیمه‌ی بیکاری برای بیکاران!



تعیین حق بیمه و کنترل تامین اجتماعی نباید به دست سرمایه داران بیفتد

صادق



وضعیت مالی تامین اجتماعی سازمانی که امنیت اجتماعی بیش از ۴۳ میلیون نفر از جمعیت خرد و کلان کشور هر یک به نحوی و تا حدود زیادی به بقا و توانایی آن گره خورده است بسیار وخیم و شکننده است. بطوری که این سازمان به معنی واقعی کلمه غارت شده توسط دولتها ی مختلف در طی ۴۲ سال پیاپی مدتهاست به دلیل ضعف مالی، هزینه های دارو و درمان را که قرار بوده رایگان باشد به شدت گران نمود، بخشی از بیمه درمانی را خصوصی، حقوق بیکاری را به شدت محدود و کاهش داده و سالهاست که از افزایش حقوق بازنشستگی و مستمری ها طفره رفته است. بهمین خاطر است که با این همه تجمع و اعتراض از طرف بازنشستگان تامین اجتماعی مواجه ایم. دولت همچنان از برآورده نمودن مطالبات بازنشستگان معترض و خشمگین از رفتار و کردار دولت طفره می رود. دولت مردان و مدیران مرفه و ثروتمند تامین اجتماعی که حقوق های نجومی شان نتیجه حق بیمه ها و دسترنج کارگران است نمی توانند این واقعیت را بپذیرند که تحمل این وضع اگر ممکن بود این همه بازنشسته در سنین پیری و در سرما و گرما جهت تجمع و اعتراض به خیابانها نمی ریختند.

دولت روحانی بزرگترین غارتگر اموال تامین اجتماعی است

چنان که اشاره شد اموال ذخیره شده تامین اجتماعی طی ۴۲ سال گذشته همواره مورد دستبرد دولتهای جمهوری اسلامی قرار گرفته و هر کدام از دولتهای تا کنونی سهمی گرچه نه به یک اندازه از دارایی های صندوق تامین اجتماعی را در راه های مغایر با قوانین و اهداف این سازمان هزینه و بخشی از آن را اختلاس کرده اند

با این احوال اما هیچ دولتی تا کنون نه به اندازه دولت روحانی صندوق تامین اجتماعی را غارت و تهی ننموده و نه به انداز این دولت به تامین اجتماعی خسارت وارد ننموده است. برداشتهای غیر قانونی و بی حساب و کتاب دولت روحانی نسبت به دولت احمدی نژاد سه تا چهار برابر شده است. افزون بر این یک سوم حق بیمه کارگران هر ماهه روانه صندوق دولت می شود. بدهی های دولت محدود به برداشت مستقیم و نقدی از دارایی های تامین اجتماعی نیست. دولت افزون بر ۳۰۰ هزار میلیارد بدهی مستقیم که به تامین اجتماعی مقروض است و تا کنون با قلدری حاضر به پرداخت آن حتی بصورت قسطی هم نشده است، مبلغ کلانی نیز بابت پرداخت نکردن سهم بیمه خود مقروض است که مبلغ آن هم نا روشن و منشأ مناقشه است.



به غیر از اینها موسسات دولتی و خصوصی در نتیجه تعدیل و تغییرات و چشم پوشی های مسئولین و مدیران دولت حق بیمه پرداخته نشده و بخشوده شده بسیار زیادی دارند که همه اینها از صندوق تامین اجتماعی و به حساب مشمولین این سازمان بطور سخاوتمندانه از طرف کارگزاران دولتی در میان کسانی بذل و بخشش شده اند که همگی وضعیت مالی و درآمدهای عالی دارند. روحانی اما به همه اینها نیز گویا قانع نیست و می خواهد قبل از پایان دوره ریاست جمهوری اش ضربه سخت دیگری بر پیکر رنجور تامین اجتماعی وارد کند. ابلاغ بخشنامه جدید معاون حقوقی دفتر ریاست جمهوری، به تامین اجتماعی در واقع دور زدن سازمان تامین اجتماعی و سپردن تعیین مقدار حق بیمه کارگران به همراه یک رشته امتیازات سخاوتمندانه بی نظیر دیگر به خود کارفرمایان سپرده است. نا گفته پیداست که اگر سازمان تامین اجتماعی که مدیریت آن از اعوان و انصار دولت روحانی هستند به این بخشنامه تمکین کند که احتمال آن کم نیست بحران مالی تامین اجتماعی تشدید و این سازمان بیش از گذشته از انجام وظایف اش درمانده خواهد شد. بدهی های کلان دولت به تامین اجتماعی را نیز بعید است دولت بعدی تقبل کند به نظر می رسد دولتمردان ابله و سرمایه داران طمعاع و نوکیسه خبر از عواقب حماقتی که دارند مرتکب می شوند نداشته باشند. تضعیف و نابودی تامین اجتماعی تنها امنیت اجتماعی زحمتکشان را از بین نمیرد و استثمار آنها را تشدید نمی کند، امنیت صاحبان سرمایه را نیز مختل خواهد کرد با این وصف اما مبارزه به منظور جلوگیری از این اقدام در وهله نخست به عهده و وظیفه خود کارگران و بازنشستگان و کلیه مشمولین تامین اجتماعی است.

۴۳ میلیون عضو سازمان تامین اجتماعی که نیمی از جمعیت کشور هستند نباید اجازه دهند با یک بخشنامه دولت تعیین حق بیمه، درمان و بازنشستگی شان فدای منافع مثنی سرمایه دار طمعاع نو کیسه و فاقد تعهد اجتماعی و انسانی که، ارزشی برای رفاه و سلامت اکثریت جمعیت جامعه قائل نیستند و فقط در فکر بردن سود و سهم بیشتر از منابع عمومی و درآمد جامعه هستند بنمایند.



خصوصی سازی را متوقف کنید!



گذر و نظری بر رویدادهای کارگری هفته

جنگ کارگری



برگزاری سه تجمع اعتراضی توسط کارگران هپکو

کارگران هپکو که از خلف وعده‌ها و پیمان شکنی‌های پیاپی مسئولین دولتی و تامین اجتماعی مالک جدید هپکو به تنگ آمده‌اند و نگران سرنوشت شغلی و معیشتی خود هستند در روزهای ۱۸ و ۱۹ بهمن در اراک و تهران سه تجمع اعتراضی تازه برگزار کردند. دو تجمع کارگران در تهران و در مقابل مجلس و تامین اجتماعی و یک تجمع نیز در اراک برگزار شد. کارگران معترض و نگران در هر سه تجمع خود خواستار تهازر کردن بدهی هپکو و اجرای فوری توافقی چند هفته پیش مسئولین بر سر تهازر کردن بدهی کارخانه شدند. از زمان واگذاری هپکو به تامین اجتماعی بابت بخشی از بدهی کلان دولت به این سازمان تا کنون هیچ تغییری جهت از سرگیری تولید در هپکو انجام نشده و مدیران تامین اجتماعی رویه کاملاً انفعالی داشته‌اند. در هفته‌های گذشته در پی اعتراضات کارگران هپکو نسبت به این انفعال مسئولین با تهازر کردن بدهی کارخانه که در حال حاضر مانع اصلی تولید است موافقت کرده بودند.

خصوصی سازی کارخانه لوله سازی را نیز به افلاس کشانده

اجرای سیاست خصوصی سازی غارت گونه واحدهای بزرگ تولیدی تا کنون ضربات سنگین و ویرانگری بر پیکر تولید داخلی وارد نموده و کشور را ببیش از پیش به سوی واردات و وابستگی سوق داده و به بیکاری دامن زده است. کارخانه لوله سازی اهواز با ۵۰ سال سابقه فعالیت و تولید لوله های نفت و آب مورد نیاز کشور یکی از کارخانه هایی است که پس از خصوصی شدن چرخ تولید در آن متوقف و دچار چنان افلاسی گردیده که سهامداران آن شروع به فروش بخشی از وسایل تولید آن نموده‌اند. کارگران لوله سازی می گویند ۱۲ ماه است که



دستمزدها و حقوق خود را دریافت نکرده‌اند و نسبت به آن اعتراض دارند. در این میان مسئولین نیز بر خلاف وظیفه شان به مشکلات و شکایات کارگران واکنشی غیر از سکوت و انفعال و به گرو گرفتن دستمزدها انجام نداده‌اند.

تجمع اعتراضی کارکنان ارکان ثالث منطقه ویژه پتروشیمی ماهشهر

در روزهای ۱۹ و ۲۰ بهمن کارکنان "ارکان ثالث سازمان منطقه ویژه پتروشیمی ماهشهر" در اعتراض به طفره رفتن مسئولین این سازمان از اجرای صحیح طرح طبقه بندی مشاغل در شهرک بعثت تجمع و خواستار اجرای صحیح طرح طبقه بندی مشاغل و پایان دادن به تهدیدات هراس‌ناک شدند. کارگران نسبت به محاسبه نشدن مزایا در طرح و همچنین تهدید و تغییر شغلی نمایندگان شان توسط هراس‌ناک اعتراض دارند و خواهان تجدید نظر در طرح طبقه بندی و پایان دادن به تهدیدات نمایندگان خود توسط حراست شده‌اند.

تجمع بازنشستگان مخابرات در زنجان

بازنشستگان شرکت مخابرات استان زنجان در ۲۰ بهمن در اعتراض به نادیده گرفته شدن مطالبات خود توسط شرکت مخابرات مقابل ساختمان ارتباطات و فن آوری اطلاعات تجمع و خواستار رسیدگی به مطالبات خود شدند. خبرگزاری ایلنا که مختصری از گزارش این تجمع را منتشر نمود در مورد مطالباتی که بازنشستگان برای آنها تجمع کردند به امور رفاهی و پرداخت حق سنوات اشاره کرده است.

تجمع کارگران انبیه فنی راه آهن در اندیمشک و ناحیه زاگرس

در ۱۹ بهمن کارگران انبیه فنی راه آهن "تراوس" که امورات فنی راه آهن را انجام می دهند در اعتراض به بلاتکلیفی شغلی و نگرانی از به خطر افتادن امنیت شغلی خود در صورت واگذاری دوباره امورات فنی راه آهن به بخش خصوصی تجمع کردند.

این اعتراض پس از آن صورت گرفت که دادگاه اخیرا واگذاری شرکت تراوس را که در سال ۹۱ به کارخانه فولاد لوشان تحت مالکیت گروه امیر منصور آریا واگذار شده بود لغو نمود. کارگران می گویند ماهیت کار آنها مستمر و همیشگی است بهمین خاطر خواستار ادغام مجدد شرکت تراوس در شرکت سراری راه آهن هستند. ۷ هزار کارگر فنی راه آهن پس از واگذاری با مشکلات متعددی از جانب کارفرما مواجه بوده‌اند. مشکلاتی از رعایت نشدن قانون کار و دستمزدهای ثابت مانده زیر خط فقر تا لباس کار و وسایل ایمنی. بهمین جهت آنها در این مدت ده‌ها بار برای گرفتن مطالبات شان مبادرت به اعتصاب و تجمع کرده‌اند. نگرانی آنها اینک این است که امورات فنی راه آهن دوباره به پیمانکار دیگری واگذار شود و مشکلات آنها تداوم پیدا کند.

ادامه پیگرد فعالین سندیکایی

پیگرد فعالین کارگری و سندیکایی توسط مدعیان عدالتخواهی در قوه قضایی و دستگاه‌های سرکوبگر امنیتی همچنان ادامه دار و هفته‌ای نیست که یک یا چند فعال سندیکایی و عدالتخواه توسط آنها برای بازجویی و محاکمه و تهدید احضار نشوند. در ۱۸ بهمن نیز عطا باباخانی از اعضای فعال و قدیمی و بازرس سندیکای واحد توسط



پلیس اطلاعات و امنیت کرج به اتهامات واهی و تکراری جهت بازجویی احضار شد. بنا به اطلاعیه خبری سندیکای واحد پلیس امنیت و اطلاعات کرج ۵ روز به آقای باباخانی مهلت داده است تا خود را به مرکز پلیس امنیت معرفی کند. دلیل احضار این فعال سندیکایی بر خلاف اتهامات ساختگی ماموران سرکوبگر فعالیت های سندیکایی باباخانی و نقشی است که او در اعتراضات تجمعات گسترده بازنشستگان داشته است. تجمعاتی که خواب عدالت ستیزان حاکم بر کشور و مسئولین دستگاه های سرکوبگر امنیتی را آشفته کرده و آنها را بر آن داشته تا زحمتکشان عدالتخواه و حق طلب را بخاطر آن مجازات کنند. پیگرد زحمتکشان شرافتمند در شرایطی انجام می گیرد که فساد، دزدی و غارت مسئولین و صاحبان قدرت و ثروت در کشور بیداد می کند و آنها بدون هرگونه مانعی در حال غارت کشور هستند. دستگاه قضایی و نهاد های امنیتی نیز از این کارگزاران ستمگر حمایت می کنند.

تجمع مربیان پیش دبستانی گیلان در رشت

مربیان پیش دبستانی گیلان در ۲۱ بهمن با برگزاری تجمعی مقابل استانداری گیلان در شهر رشت خواستار استخدام خود در اداره آموزش و پرورش شدند. تعداد مربیان پیش دبستانی که واجد شرایط استخدام هستند گفته می شود ۱۰۰۰ نفر است. با این وجود آموزش و پرورش به جهت اینکه مایل به پرداخت حقوق و مزایای کارکنان و معلمان رسمی به این عده نیست از استخدام آنها طفره می رود.

تجمع کارگران اخراجی راه داری و حمل و نقل جادهای در قزوین

کارگران اخراجی اداره کل راه داری و حمل و نقل جادهای قزوین در ۱۷ بهمن در اعتراض به اخراج خود مبادرت به تجمع نمودند. این تجمع تا ۲۱ بهمن همچنان تداوم یافته و ادامه دارد. کارگران خواهان بازگشت بر سر کارهای شان هستند. مدیران سازمان راهداری تا کنون به خواست کارگران پاسخ نداده اند.

ادامه اعتراضات کارگران در پارس جنوبی

اعتراضات کارگران شاغل در شرکتهای پیمانکاری پتروشیمی و نفت نسبت به اجرا نشدن واقعی طبقه مشاغل همچنان ادامه دارند. در ۲۰ بهمن بار دیگر کارگران پارس جنوبی به اعتراض دیگری برخاستن. کارگران می گویند انتظارشان این است که با اجرای درست طبقه بندی دستمزد، و مزایای شغلی شان در شرایط گرانی سرسام آور هزینه های زندگی و شرایط کرونایی افزایش پیدا کند و حق سنوات سابقه شغلی و تخصص آنها در محاسبات طبقه بندی مد نظر قرار گیرن. شایان ذکر است که کارفرمایان برای اجتناب از پرداخت حق سنوات، تخصص و مزایای کارگران فنی حاضر به اجرای طبقه بندی که ضمناً سوابق کاری کارگران را معین می کند و پرداخت دستمزد اندک را برایشان از لحاظ قانونی دشوار می کند نیستند. این کشاکش چند سال است که ادامه دارد و پس از صدور بخشنامه وزارت نفت مبنی بر موظف کردن شرکتهای پیمانکاری به اجرای طبقه بندی مشاغل و بی میلی کارفرمایان برای اجرای طرح طبقه بندی تشدید شده است. با این همه وزارت نفت در عمل برای اجرای بخشنامه خود اقدامی نکرده است. این در حالی است که وزارت نفت امکانات زیادی برای تحت فشار قراردادن شرکتهای پیمانکاری در اختیار دارد.



اعتصاب معلمان حق التدریسی در تهران

معلمان حق التدریسی نواحی ۹ و ۱۰ تهران نیز در ۱۸ فروردین در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق یک سال گذشته شان اعتصاب کردند. علت پرداخت نشدن طولانی مدت این معلمان ذکر نشده است.

اعتراضات و تجمعات معلمان غیر رسمی در ماه های اخیر به شدت افزایش یافته که دلیل اصلی بیشتر آنها طفره آموزش و پرورش از استخدام معلمانی است که سالهای متمادی با دستمزد های اندک و محرومیت از مزایای شغلی و مزدی که استخدامی ها از آن برخوردار هستند می باشد.

***برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

sabosob@gmail.com

***"جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران (فدائیان خلق) را می توانید در آدرس زیر**

ببینید:

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>



دولت باید معاش تهی دستان و آسیب دیدگان کرونا را

تامین کند!